

خبرها

داودی: تهیه‌کنندگی در سینمای ایران صرفاً بر مبنای تجربه شکل گرفته است



ایستا : ابوالحسن داودی گفت : در همه رشته‌های سینما تخصص به معنای کامل آن کم و بیش وجود دارد که عموماً عبارت از کسانی هستند که در این رشته‌ها تحصیل کرده‌اند و تجربه اندوخته‌اند. اما

چند تهیه‌کننده را در این سراخ دارید که در این رشته تحصیل کرده باشند؛ تهیه‌کنندگی در سینمای ایران صرفاً بر مبنای تجربه ستنی شکل گرفته و غالب شده است. به همین دلیل ملاک اصلی تهیه‌کننده بهتر، سرمایه بیشتر و حساب بانکی پترز او محسوب می‌شود. در حالی که تهیه‌کننده تخصصی در غالب موارد می‌تواند حضور شخصی در سرمایه‌گذاری فیلم نداشته باشد بلکه سرمایه‌ها و آورده‌های یک فیلم را مدیریت کند. این کارگردان تاکید کرد: تهیه‌کنندگی تک‌محصولی که فکر غالب تهیه‌کنندگی را در سینما شکل می‌دهد به طور ستنی کاری به برنامه‌های درآمدزات سینما و زیرساخت‌ها و ضرورت تخصصی شدن حرفه‌ها ندارد و بیشتر به فکر برنامه‌های مقطعی برای پیشبرد و عرضه محصول خود است و به همین دلیل سرنوشت و آینده سینما جز در حیطه تعریف شخصی در برنامه‌ریزی‌های او نقشی ندارد.

صبا: فیلم‌توان جذب مخاطب را دارد

مهر : فیلم سینمایی «عروسک فرنگی» یک ملودرام اجتماعی و عاشقانه است که فکر می‌کنم توان جذب مخاطبانش را دارد. وی افزود: «از ساخت عروسک فرنگی به عنوان تجربه اول کارگردانی

راضی هستم و امیدوارم بتواند در زمان نمایش با مخاطبان ارتباط برقرار کند. چون داستان فیلم یک ملودرام اجتماعی و عاشقانه است و توان جذب مخاطب را دارد.»

سلیمانی: پس از سال‌ها خستگی ام دررفت
پروین سلیمانی بازیگر قدیمی و کهنه‌کار سینما در مراسم افتتاحیه جشنواره فیلم‌های خاص گفت: پس از ۶۵ سال خدمت، امشب خستگی‌ام در رفت. امیدوارم با هم‌زننده باشم تا برای شما کار کنم. دوست ندارم خانه‌نشین

شوم، دعاکنید حالم بهتر شود تا دوباره کارم را شروع کنم. پوران درخشنده کارگردان سینمای ایران و دبیر نخستین جشنواره فیلم خاص نیز با اشاره به اینکه شایسته‌ست جویت متولیان امروز زودتر از اینها معطوف این گروه از بیماران شود گفت: در این نقطه آمار بسیار تاسف‌انگیزی را در روند فیلمسازی شاهد بودیم به طوری که تنها ۷ فیلم سینمایی و ۳۸ فیلم کوتاه با موضوع بیماری خاص در ۲۶ سال بعد از انقلاب اسلامی ساخته‌شده است. نخستین جشنواره فیلم خاص از ۲۵ تا ۲۹ اردیبهشت‌ماه در فرهنگسرای خانواده برپا خواهد بود و در طول سه روز ضمن نمایش فیلم نشست‌هایی با حضور پزشکان برگزار می‌شود.

شورچه: حساسیت مسئولین کم شده است

فارس : جمال شورچه کارگردان پیرامون وضعیت سینمای دفاع مقدس گفت : سینمای دفاع مقدس از تک و تا افتاده به این‌جهت که فیلم‌سازی که در زمینه دفاع مقدس کار می‌کند در دلسرد شده‌اند و در این

ژانر به لحاظ کارگردان و نویسنده ریزش شده است. ظاهر امر نشان می‌دهد که به‌رغم اینکه در جشنواره فیلم دفاع مقدس سعی می‌شود تعدادی فیلم حضور یابد و سینمای دفاع مقدس و انجمن سعی می‌کند خودش را همچنان حی و زنده نشان دهد ولی آن طور که باید و شایسته مقطع حساس و بسیار درخشان تاریخ انقلاب ما است، متأسفانه به آن بها و پرداخته نمی‌شود.

سینایی: اگر منتقدان این قدر درباره صادق هدایت اطلاعات دارند، خوشحالم

سینمای ما : خسرو سینایی گفت : «من تعجب می‌کنم که بعضی از دوستان منتقد عنوان کرده‌اند فیلم «گفت‌وگو با هدایت به تازهای برای مخاطبان هدایت ندارد و همه مسائل طرح شده درباره زوایای آشکار و

پنهان هدایت را می‌دانستند. احساس کردم اگر همه منتقدان ما این قدر از علاقت شخصی هدایت در مورد دیدن فیلم‌های اکسپرسیونیستی نظیر «مطب دکتر کالیگاری» و «نوسفراتو» آگاه باشند خیلی مسئله خوشحال‌کننده‌ای است.» این فیلمساز گفت : «این فیلم را برای بارگو کردن نکاتی ساختم که انتقال آنها فقط از طریق سینما امکان‌پذیر است و نمی‌توان آنها را در کتاب‌ها پیدا کرد. در کتاب‌ها فقط اشاره می‌کنند که هدایت به سینمای اکسپرسیونیستی علاقه داشت. ولی اینکه کدام سینمای اکسپرسیونیستی و فیلم‌های وابسته به آن، مشخص نیست.»

روقت فروش فیلم‌ها در آستانه آغاز فصل امتحانات، سینماگران و مسئولان را توأمآ امیدوار کرده است. هر چند نمایش اکثر فیلم‌های امیدوار به فروش بالا در فصل بهار باعث شده، این تحلیل قوت بگیرد که سینمای ایران برای فصل تابستان سبد پربراری برای عرضه نداشته باشد اما به نظر می‌رسد سینمای ایران به مخاطبان پیگیر و معتمدی دست یافته است. از سوی دیگر گمانه‌زنی‌ها درباره سنگبیری بیشتر برای صدور پروانه‌های ساخت و نمایش که بعد از شروع سال جدید شدت گرفته، در هفته‌های اخیر با بروز مشکلات برای چند فیلم و مشخصاً آخرین ساخته جعفر پناهی به اوج رسیده و باعث مشغول شدن آذهان بسیاری شده است.

■ اتفاق هفته
تولد صنف جدید : تولد صنفی جدید در سینمای ایران به اندازه کافی اهمیت و جذابیت دارد تا به عنوان مهمترین اتفاق هفته گذشته انتخاب شود. مناقشات صنفی سینمای ایران که از سال گذشته تاکنون ادامه داشته و در چند ماه اخیر در چند صنف مهم مانند اتحادیه تهیه‌کنندگان به اوج خود رسیده بود، با اعلام رسمی این خبر وارد مرحله تازه‌ای شد و این در حالی است که هنوز افراد شاخص طیف‌های مختلف سینمایی به موضع‌گیری و اظهارنظر درباره آن نپرداخته‌اند. رزمه‌های راه‌اندازی صنفی برای کارگردانانی که امور تهیه‌کنندگی فیلم‌ها را نیز انجام می‌دهند از چندین سال قبل شنیده می‌شد و در مقاطعی نیز به شکل علنی به گوش می‌رسید. اوج این رزمه‌ها در زمان انتخابات شورای مرکزی اتحادیه تهیه‌کنندگان در سال ۸۲ بود که تعدادی از کارگردانان خواستار راه‌اندازی انجمن «تهیه‌کننده – کارگردانان» شدند که بعد از راهیابی تعدادی از این افراد به شورای مرکزی در آن سال، موقتاً این درخواست را مسکوت گذاشتند. در آن زمان می‌رسد متمرکز کرده بود با طعنه گفته است که فکر باعث شده که طراحان این صنف جدید فرصت را مغتنم بشمرند و خبر تشکیل آن را رسماً اعلام نمایند. طیفی از کارگردانانی که در این سال‌ها در کانون کارگردانان نیز قدرت را در دست داشتند در میان اعضای موسس این مجمع دیده می‌شوند و البته اعلام کرده‌اند که هدف از تشکیل چنین صنفی حمایت از سرمایه مادی و معنوی اعضا در دو صنف کارگردانان و تهیه‌کنندگان نیست به اهداف کلان‌تری مانند توسعه همه‌جانبه سینمای ایران می‌انديشند.

اعلام خبر تشکیل چنین صنفی با استقبال نسبی اکثر فیلمسازان مواجه شد و البته اکثر آنها در موضع‌گیری‌هایشان جانب احتیاط را نگه داشته‌اند و به اظهارنظرهای کلی بسنده کرده‌اند. هنوز اتحادیه تهیه‌کنندگان واکنش رسمی نسبت به این اقدام اشعاب‌گونه تعدادی از اعضایش نشان نداده و یا آنکه قرار است در یک مجمع عمومی فوق‌العاده درباره این موضوع تصمیم‌گیری کند اما به نظر می‌رسد در حالی که همچنان مناقشات بر سر انتخابات اخیر این اتحادیه وجود دارد، دستیابی به یک موضع مشترک و هماهنگ مشکل باشد. سکوت مسئولان سینمایی کشور و اعضای هیات‌مدیره خانه سینما در برابر اعلام این خبر را می‌توان تا حدودی نشان از همراهی آنان با تشکیل این صنف جدید ارزیابی کرد. هنوز نحوه مناسبات این صنف با خانه سینما اعلام نشده و مشخص نیست که آیا مجمع فیلمسازان ایران به عنوان انجمنی زیرمجموعه خانه سینما به فعالیت خواهد پرداخت یا نه. با این همه مجموع اظهارنظرهای موسسان این صنف نشان می‌دهد که آنها در تلاش هستند با کمترین واکنش و هزینه این صنف جدید را به وجود آورند. محمد بزرگ‌نیا، ابوالحسن داودی، محمدعلی سجادی، محمدعلی نجفی و علیرضا رئیس‌بان به عنوان اعضای هیات موسس مجمع فیلمسازان ایران معرفی شده‌اند.

سینما



یک هفته با سینمای ایران

بیم و امید یک سینمای امیدوار

بابک غفوری آذر

■ خبر هفته

فیلمسازی بیضایی : اینکه بهرام بیضایی نگارش فیلمنامه جدیدی را به پایان رسانده و قصد دارد آن را جهت دریافت پروانه ساخت ارائه دهد حتی اگر در تمام سال‌های اخیر مدام شنیده شده باشد باز هم جذابیت‌های خاص خود را دارد. بیضایی که از سگ‌کشی به بعد تمام فعالیت‌های سینمایی اش با مشکل روبه‌رو شده است باز هم عزم خود را جزم کرده است فیلم جدیدی بسازد و در این راه ترجیح داده است این بار جزئیات اندکی از فیلمنامه جدیدش را منتشر کند تا در فضای آرام‌تری مقدمات ساخت فیلمش را فراهم

کند. تجربه نشان داده که حتی صدور پروانه ساخت هم نمی‌تواند تضمینی برای ساخت فیلمی از سوی بیضایی باشد و باید تا زمان شروع رسمی فیلمبرداری فیلم صبر کرد تا با طاعلیت‌گفت بهرام بیضایی ساخت فیلم جدیدی را شروع کرده است. اما فارغ از به نتیجه رسیدن یا نرسیدن فیلمنامه جدید این فیلمساز فرهیخته سینمای ایران، فعالیت هنری او قابل توجه است. عملکرد و نوع نگاه فیلمسازانی مانند بیضایی باعث شده است که میزان فعالیت آنها و حضورشان در فضای فرهنگی جامعه ملاکی برای ارزیابی میزان آزادی‌های هنری و فرهنگی کشور باشد و از این منظر توقّف اجرای نمایش «مجلس شبیه در ذکر مصائب...» در آستانه تشکیل دولت جدید به عنوان محدودیت‌های جدید فرهنگی کشور در آن مقطع ارزیابی شد.

بیضایی که بعد از سگ‌کشی عمده فعالیت‌های خود را در تئاتر متمرکز کرده بود با طعنه گفته است که فکر نمی‌کند دیگر کسی بخواهد دوباره او در تئاتر کار کند و به این صورت دوباره به سینما روی آورده است. باید منتظر ماند و دید که سینما چقدر او را پذیرا خواهد بود.

■ حاشیه هفته

۱ – جذابیت وصف‌ناپذیر کن : جنجال‌ها برسر چگونگی حضور سینمای ایران در این دوره جشنواره کن با اعلام رسمی تشکیل چتر سینمای ایران و نمایش ۱۸ فیلم ایرانی در بازار کن فروکش کرد تا نهایتاً نظر آن گروه از سینماگران که قائل به حفظ ارتباط سینمای ایران با

مهمترین جشنواره سینمایی جهان بودند، تامین شود. این گروه که در میان مدیران بین‌المللی سینمای ایران نیز نمایندگانی دارند و در همان روزهایی که گروهی به طبل تحریم و قطع مرآوده می‌کوبیدند از لزوم ادامه حضورهای جهانی سینمای ایران صحبت می‌کردند و نبود فیلمی از سینمای ایران را خارج از مسائل سیاسی تبیین می‌کردند. به هر صورت سومین چتر سینمای ایران با همان گستردگی دوره‌های گذشته و با حضور جمعی از نهادهای دولتی و غیردولتی مرتبط با سینما برپا می‌شود و طی آن قرار است ۱۸ فیلم جدید ایرانی برای نمایندگان شبکه‌های تلویزیونی و منتقدان سینمایی، خریداران و توزیع‌کنندگان جهانی و مسئولان و نمایندگان جشنواره‌های جهانی به نمایش درآیند. اعلام عدم حضور فیلمی از سینمای ایران در بخش‌های مختلف سینماگران ایرانی به فیلم‌های گوناگونی از این دوره جشنواره کن سرازآرد. مناقشات گسترده‌ای بر سر حضورهای جشنواره‌ای سینمای ایران شد و طی آن طیف‌های گوناگونی از سینماگران ایرانی به موضع‌گیری در مقابل آن پرداختند. جالب‌ترین این موضع‌گیری‌ها از سوی طیفی صورت گرفته که پیش از این حاضران همیشگی جشنواره‌های مختلف بودند و این بار از تحریم جشنواره کن سخن می‌گفتند. مجموع صحبت‌ها و بحث‌های صورت گرفته هر چند باعث توجه دوباره به موضوع حضورهای جشنواره‌ای سینمای ایران شد اما مانند همیشه به یک نتیجه‌گیری نهایی منجر نشد.

۲ – رقابت رسانه‌ای : رقابت پنهان فیلمسازانی که آثارشان در حال نمایش در سینماهای کشور است و چند ماه اخیر به مرحله جدیدی رسیده است. حضور چشمگیر رسانه‌ای و صحبت‌ها و اظهارنظرهای روزانه در زمینه‌های مختلف و نیز تلاش برای در اختیار گرفتن تعداد سینماهای بیشتر، از جمله روش‌های جدید است. با این همه حجم استثنایی حضورهای رسانه‌ای این فیلمسازان در مقایسه با روش‌های دیگر بدیع‌تر است. این موضوع که در چند ماه اخیر با ورود رسانه‌های فراگیرتری مانند خبرگزاری‌های مرجع‌شکل خاصی به خود گرفته باعث شده عنوان «مشاور رسانه‌ای» در تیراژ فیلم‌ها اهمیت دوچندانی پیدا کند.

این مشاوره رسانه‌ای حتی به اعلام متفاوت فروش فیلم‌ها در منابع خبری مرجع و انعکاس آنها در رسانه‌های گروهی هم منجر شده تا رقابت فیلمسازان به شیوه‌های جدیدی برسد. پیگیری این جریان می‌تواند دستمایه‌های حاشیه‌ای خوبی برای هفته‌های آینده باشد.
■ چهره هفته
ابوالفضل جلیلی : ابوالفضل جلیلی به قول خودش روزهای متفاوتی را تجربه می‌کند. او در تلاش برای اکران عمومی فیلم ماقبل آخرش «گل یا پوچ» است و ظاهراً به تازیحی هم رسیده است. این فیلمساز عجیب سینمای ایران که از میان سیزده فیلم کارنامه‌اش تنها یک فیلم نمایش عمومی داشته در چند سال اخیر مدام در رفت و آمد بین جشنواره‌های مختلف جهانی بوده و به عنوان یک عضو شاخص سینمای جشنواره‌ای ایران مطرح بوده است. او البته در همین حضورهای جشنواره‌ای از به نمایش درنیامدن فیلم‌هایش در ایران استفاده شایانی برده است و خود را به عنوان فیلمساز خلاف جریان‌ی که فرصت نمایش آثارش در ایران فراهم نمی‌شود معرفی کرده است. هر چند اساساً در تمام این سال‌ها اکثر فیلم‌های جلیلی به تهیه‌کنندگی شبکه دوم سیما تهیه‌شده‌اند و اراده جدی هم برای نمایش عمومی فیلم‌هایش وجود نداشته‌است اما نمایش عمومی فیلمی از او بعد از سال‌ها می‌تواند اتفاق جالبی باشد. گل یا پوچ پیش از این در جشنواره بیست و چهارم فیلم فجر به نمایش درآمده بود که البته واکنش چندانی هم برنیانگیزخته بود. فیلم قرار است در چند سینما اکران شود و جلیلی از حالا به موقعیت جالبی که اکران این فیلم برایش به وجودی می‌آورد فکر می‌کند. البته چند سال پیش شبکه دوم سیما تعدادی از فیلم‌های جلیلی را پخش کرد. باید منتظر ماند و میزان موفقیت فیلمی را که اساساً خارج از مناسبات تولید سینمای ایران ساخته شده، از این فیلم‌ها یاد کرد.

■ فروش هفته

برقراری آتش بس : صد‌رنشینی فیلمی که همه آن چیزی را که مخاطب امروز می‌خواهد در خود دارد عجیب نیست. آتش بس که با تبلیغات جذابش، تماشاگرش را از همان ابتدا در جریان فضای فیلم قرار می‌دهد متوسط فروش روزانه‌اش را از رقم ۱۰ میلیون تومان فراتر برده و باعث شده دستیابی به رقم ۵۰۰ میلیون تومان در تهران برای فیلم قابل‌دسترس باشد. فیلم تا به حال مرز ۲۵۰ میلیون تومان را در حالی پشت سر گذاشته که تازه هفته چهارم اکرانش را آغاز کرده است. در مقام دوم ازدواج به سبک ایرانی قرار دارد که با آنکه چندان چشمگیر شروع نکرد اما آهسته‌آهسته رقم فروش روزانه‌اش را افزایش داد تا ضمن حفظ پیوستگی مداوم، افزایش فروش را نیز تجربه کند. ساخته پربازگير حسن فتحی حالا هوو را هم پشت سر گذاشته و به فکر رسیدن به مرز ۴۰۰ میلیون تومان است. فروش ازدواج به سبک ایرانی رقم متوسط فروش روزانه‌ای در حدود ۷ میلیون تومان را نشان می‌دهد که تقریباً ۲ میلیون بیشتر از متوسط فروش روزانه هوو است. فیلمی که با وجود همه تلاش‌های کارگردان و سازندگانش به منحنی نزولی رسیده است و احتمالاً در هفته آینده تعویض خواهد شد. با این همه فروش هوو تا همین جا نشانه مشخصی است از اینکه علیرضا داوودنژاد باید در همین سبک سرخوشانه و رها فیلم بسازد. اما عنوان پرفروش‌ترین فیلم در مجموع در اختیار زبردخت هلو است که به مرز ۴۵۰ میلیون تومان رسیده و با آنکه عملاً اکرانش به پایان رسیده اما به لطف سینماهای متفرقه و خارج از گروه تماشاگرش را همچنان جذب می‌کند. گروه‌های جانبی هم موفق‌تر از سال قبل نشان می‌دهند. یک تکه نان در کمال تعجب از مرز ۸۰ میلیون تومان هم گذشته و مربای شیرین در تلاش برای رسیدن به حد ۵۰ میلیون تومان است.

سال سوم ■ شماره ۷۶۴ *شوق*

نگاه منتقد

حکایت غم‌انگیز و باورنکردنی کن و متولیان سنگدلش

هانری جما

«گابریل گارسیا مارکز» با همانطور که دوستانش صدایش می‌زنند «گابو»، مجموعه داستانی دارد به نام «حکایت غم‌انگیز و باورنکردنی ارندبرای ساده‌دل و مادربرزرگ سنگدلش» که سال‌ها پیش از این بهمن فرزانه آن را در انتشارات امیرکبیر منتشر کرده است. شاید آن سال‌ها که به جلد پنفش آن نگاه می‌کردیم و کتاب را به دست می‌گرفتیم حتی در خیال متصور نبودیم که روزی مطلبی در مورد جشنواره کن نوشته شود که از داستان مارکز برای تیرش الهام گرفته باشد. البته شباهت در همین جا تمام می‌شود اما به قول قاتل این حرف، حکایت همچنان باقی است. جشنواره فیلم کن همواره برای سینمای ایران طلسمات عجایب بوده است. چه آن سال که فیلم چریکه تارا را به عنوان «خط‌شکن» در جشنواره‌ای که هنوز «کان» نامیده می‌شد داشتیم و چه سایه‌های بلند باد که در این جشنواره به عنوان نماینده‌ای از سینمای ایران شرکت داشت؛ و چه آن سال که سینمای ایران با طعم گیلان یکی از قله‌های جشنواره کن را فتح کرد و چه سال‌هایی که سینمای ایران همواره در بخش اصلی یا بخش‌های دیگر این جشنواره نماینده داشت؛ این جشنواره برای سینمای ایران حکم کیمیا را داشته است. حتی همین امسال که فیلمی از سینمای ایران در جشنواره کن حضور ندارد، همچنان نام پرمطراق این جشنواره می‌تواند دل هر کارگردانی را بلرزاند. یادم هست که همین هفته گذشته در جایی خواندم که با ژستی تبلیغاتی، حتی اشاره شده بود که فیلمی از سینمای ایران، اولین نمایشش را در بازار فیلم کن خواهد داشت. حتی کار به جایی رسید که در مطبوعات نوشتند، آن فیلم جشنواره فیلم فجر را نادیده گرفته است و در آن شرکت نخواهد کرد، چرا که پس از نمایش در بازار فیلم کن به سرعت اکران خواهد شد. جادوی نام جشنواره فیلم کن، البته آن قدر دوام داشته است که شماری از سینماگران و یک تشر به سینمای را به واکنش و دارد تا بگویند این جشنواره اگر امسال فیلمی از سینمای ایران را در سبد نمایش ندارد؛ پس جشنواره کن جشنواره‌ای است که سیاسی است و به فیلم‌های مشکوک جایزه داده است. حتی در جایی یک حرکت «خودجوش» می‌رفت که به‌عرصه درآید به این مضمون که لطفاً جشنواره فیلم کن را تحریم کنید! چرا حضور سینمای ایران در یک جشنواره سینمایی این چنین مهم است و یک «ارزش» محسوب می‌شود؟ بادمان هست که یک سال فیلمی از مرحوم موريس پيالا در جشنواره کن که ریاست هیات داروان آن دوره را بازنگر قبید فرانسوی اوبونتان برعهده داشت جایزه نخل طلا را برد، اما می‌دانید عکس‌العمل حاضرین پس از اعلام فیلم «دزخ شیطان» چه‌بود؟ آنها پیالا و فیلمش را هو کردند، همانطور که در دهه شصت میلادی «حادثه» اثر آنتونیونی نیز به سرنوشتی مشابه دچار شد.

اگر به تئوری توطئه باور داشته باشیم می‌توانیم سرخ عدم حضور سینمای ایران در جشنواره فیلم کن امسال را به مدیر جشنواره فیلم برلین نسبت دهیم. [می‌بینید که این تئوری تا کجاءا که نمی‌رود؟! سال گذشته مدیر جشنواره برلین در ایران حضور داشت و موقعی که جوايز سینمای ایران، در موزه سینما را تماشا می‌کرد آن جمله کلیدی را گفت: «وِترین سینمای ایران جایزه‌ای را از جشنواره برلین کم دارد.» به دلیل آن که سال گذشته جشنواره فیلم فجر تاریخ برگزاری‌اش را تغییر داد؛ سینمای ایران این مجال را یافت که در برلین حاضر شود و البته دست‌خالی هم نیامد. اما اتفاقی که رخ داد، شاید توانست منشاء این همه جنجال پیرامون جشنواره فیلم کن شود. کن سال‌ها است که یک قاعده نانوشته (شاید هم نوشته‌شده) دارد: فیلمی که در جشنواره دیگری شرکت کرده باشد در جشنواره کن پذیرفته نخواهد شد. بنابراین هر سه فیلمی که در برلین به نمایش درآمدند؛ شانس نمایش در کن را پیدا نکردند.

آشوب‌های اخیر در فرانسه را به یاد دارید؟ کار به جایی رسید که نخست‌وزیر و البته پشتیبانش یعنی رئیس‌جمهور فرانسه مجبور شدند که کوتاه‌بایند و از موضع قبلی خود عدول کنند. این تظاهرات در کشور فرانسه که آن را مِهد آزادی می‌نامند؛ مانند تیغی دو دم عمل کرد: نه امکان سرکوب (به‌طور کامل) فراهم بود و نه می‌شد آن هیچ‌وِرج عظیم را تحمل کرد.

اگر بخواهیم با نگاهی بدبینانه به این تحولات اجتماعی نگاه کنیم و همچنان قائل به آن تئوری سرشناس (!) باشیم؛ به سادگی می‌توان به این نتیجه رسید که برگزارکنندگان جشنواره فیلم کن این نگرانی را باخود داشته‌اند که جشنواره‌شان تحت‌الشعاع این رویدادها اگر قرار بگیرد؛ ارزش و اعتبار آن جشنواره کن این دوره مورد شلِیک قرار خواهد گرفت. همچنان تاکید می‌کنم که شاید، یکی از راه‌هایِ متحرف کردن افکار عمومی این‌می‌توانسته‌باشد که عدم حضور فیلمی از آسیا و طلی‌الخصوص ایران، آن قدرها یک خبر مهم می‌توانسته‌باشد که جشنواره کن را همچنان «خبر ساز» کند. سومین نکته‌ای که در مورد عدم انتخاب فیلم‌های ایرانی در جشنواره کن می‌توان اشاره کرد؛ پرتخ‌وادی است که در داخل کشور با این مسئله صورت گرفته است. این اصل را اگر بپذیریم که هیچ جشنواره‌ای هیچ‌گاه تعهد نداده است که حتماً فیلمی از سینمای ایران را داشته باشد، چه بسا بسیاری از برخوردهای انجام‌شده در هفته‌های جاری را بتوان راحت‌تر نقد کرد. در واقع می‌توان گفت که هم مخاطبین و هم موافقین جشنواره فیلم کن مسئله را از آنچه که هست بزرگ‌تر کرده‌اند. به مبارزه طلبیدن جشنواره کن و چسباندن انگ‌های گوناگون همان قدر نازیاست که صاحبان فیلمی اعلام کنند که فیلم‌شان را پیش از هر جای دیگری ابتدا در این جشنواره نمایش می‌دهند. حکایت جشنواره فیلم کن، حکایت غم‌انگیز و باورنکردنی آن و متولیان سنگ‌دلش نیست. جشنواره کن نه آغاز جهان است و نه پایان آن. جایزه گرفتن و رفتن یا شرکت دادن و یا ندادن، پل‌نقشه شدن یا نشدن یک فیلم در یک جشنواره (حتی مطرح و شناخته‌شده) محکی برای خوب یا بد بودن فیلم‌ها نیست. فیلم خوب حتی اگر در هیچ جشنواره‌ای شرکت نکند، همچنان فیلم خوبی است. یک‌بار دیگر نام پیالا و فیلمش را به خاطر پیابورید. آن فیلم الان کجاست؟ در کدام نجات‌تخصصی سینمایی‌ان از آن و کارگردانش وجود دارد؟ باور کنید هیچ‌کجا!



۱۰ میلیون تومان راتیراژ برده بود

۱۰ میلیون تومان راتیراژ برده بود

۱۰ میلیون تومان راتیراژ برده بود